

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران**

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **مهدی رحمانیان**

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مسیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت روزنامه

دوشنبه ۳ شهریور ۱۴۰۴ • ۱ ربیع‌الاول ۱۴۴۷ • ۲۵ آگوست ۲۰۲۵ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۱۸۸ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۶ • اذان مغرب ۱۹:۰۰ • اذان صبح فردا ۴:۰۳ • طلوع آفتاب ۵:۳۲

طنزخوانی

بیهوده متاز که مقصد خاک است



آیدین سیار سیرج

سایت روزیاتو به نقل از چند دانشمند نوشته که جهان ۲۵ سال دیگر به پایان می‌رسد. در همین راستا سختی دارم با برخی عزیزان:

- فامیل فضول و عزیزی که تا ما رو می‌بینی میگی چرا مهاجرت نمی‌کنی؟ چرا بچه‌دار نمی‌شی؟ برنامه‌ات برای آینده چیه؟ سرت رو از –شما بخوانید زندگی– ما بیار بیرون. یه نفسی بگیر و توجه داشته باش که دانشمندان این یافته‌ها رو برای شما درمیانر.
- ژاپنی ریزنقش اما سرعتی و زهرداری که رانندگان تاکسی و شوهرعمه‌های ایرانی اعتقاد دارن تو همیشه برای صد سال بعد برنامه داری، فعلا دست نگه دار.
- جوان نسل زدی که درس نمی‌خونی و کار نمی‌کنی و آینده رو گرتنی به بصل‌الخاعت، ما دهه‌شصتی‌ها رو ببخش که قضاوتت کردیم. تو احتمالا از این قضیه خبر داشتی اما دهه‌شصتی هرگز نفهمیدی.
- با هم جوان نسل زدی! اگه بحران میانسانی من دهه‌شصتی اینه که دیگه اون جذابیت گذشته رو ندارم و به اهدافم نرسیدیم و تنها دستاورد زندگیم اینه که با قراردادن کف دستم زیر بغلم، سونات مهتاب بپھوون رو در کام مینور می‌نوازم… بحران میانسانی تو میشه پایان جهان. پس به خودت افتخار کن.
- استقلالی عزیز، پرسپولیسی گرامی! با اینکه احتمالا تکمیل بازسازی ورزشگاه آزادی مصادف میشه با پایان جهان، ولی تو ناامید نشو. برو جلوی باشگاه تجمع کن و مطالبات رو فریاد بز. بگو دربی ۱۴۲۹ باید در ورزشگاه آزادی برگزار شود.
- دست‌اندرکار پروژه آزادراه تهران–شمال! ولش کن دیگه، خودتو اذیت نکن.
- سازنده محترم سربال سلمان فارسی! می‌دونم برنامه داشتی که تو ۲۵ سال بعدی، فیلم‌برداری فصل دو رو کلید بزنی. می‌دونم الان نتدنتد سیگار می‌کشی و فکر می‌کنی که چطور تو این فرصت اندک فصل یک رو تموم کنی. ولی چاره‌ای نیست، جز اینکه منوچهر هادی رو بیاری کار رو تو یک هفته جمع کنه.
- جعفر! ول کن، وقت نیست.
- کارشناس دغدغه‌مندی که هر چند روز یک بار مبابی هشار میدی میگی گسل تهران فعال شده، زلزله در کمین است، فرونشست فلان شده و قدرت حل مسئله بهمان است… ای محمد فاضلی! بیهوده متاز که مقصد خاک است.
- عزیز فاسدی که تا مسئولیت می‌گیری می‌گی وقت نیست، باید نونو بمالم ته ماهیابه هرچی هست بخورم و بیرم و آیندگان به درک! یه ورک‌شاپ انتقال تجربه‌مون تشه؟
- هوش مصنوعی‌ای که دانشمندان می‌گن تو ۲۵ سال دیگه از دست بشر عصبانی می‌شی و میای جهان رو به پایان می‌رسونی! داداش! توجه داشته باش که من بشخصه هیچ‌وقت از تو برای میکس کردن جلیل شهناد با محسن لרستانی استفاده نکردم. من از تو فقط سوالات علمی پرسیدم. با من کاری نداشته باش. بقیه رو نابود کن. متشکرم.

خیرخوانی

قدیمی‌ترین دنباله‌دار نزدیک می‌شود

باشگاه خبرنگاران، دبلی‌میل از قول یک دانشمند گزارش داد که نور مرئوز ساعت‌شده از دنباله‌دار 3I/ATLAS که با سرعت در منظومه شمسی در حال حرکت است، شبیه به درخشش چراغ‌های جلوی خودرو است، هرچند منبع این نور هنوز مشخص نشده است. این دانشمند معتقد است کاهش شدید روشنایی درخشش با دورشدن جسم با رفتار معمول دنباله‌دارها که معمولاً به بازتاب نور خورشید متکی هستند، مغایرت دارد. البته همه اینها حدسیات اثبات‌نشده است. این دنباله‌دار اولین بار در اول جولای شناسایی شد و دانشمندان بعداً اعلام کردند که این یک دنباله‌دار از یک منظومه ستاره‌ای دیگر است. پوشش گاز و غبار اطراف هسته حدود ۲۴ کیلومتر قطر دارد.

تیم نجوم و اخترفیزیک ایران برای دومین بار برنده مدال طلا و رتبه اول دنیا شد. اتفاقی که تا به حال برای هیچ کشوری رخ نداده است و دانش‌آموزان ایرانی چنین افتخاری را آفریده‌اند.
حتماً شما هم این فیلمی را که از بهت و حیرت پسران جوان برنده المپیاد نجوم در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است، دیده‌اید. پسرانی که باورش‌ان نمی‌شود طلا گرفته‌اند و اول شده‌اند. مدام می‌پرسند واقعیت دارد؟ صحنه‌ای که به‌راحتی اشک شوق‌مان را سرازیر می‌کند و می‌گوییم چه خوب که برنده شدند، چه خوب که مدال گرفتند، چه خوب که با وجود جنگ و دوری از خانواده توانستند بهترین‌ها را رقم بزنند.

وقتی فوتبالیست‌ها همه پول‌ها درو می‌کنند

تیم نجوم یک سال تمام با حضور استادانی برجسته که دارای سابقه شرکت در المپیاد هستند، آموزش می‌بینند. امسال هم که جنگ رخ داد، دانش‌آموزان کشورمان با دانش‌آموزان ۶۳ کشور دیگر رقابت کردند. آن‌هم ۱۰ روز و در قرنطینه. در تمام مدت بدون تلفن همراه یا تماس با مربی یا خانواده هستند. فقط در دو روز آخر به صورت محدود می‌توانند با خانواده خود تماس بگیرند. در این ۱۰ روز با تفاوت زبان، تنوع فرهنگی، تغییر آب‌وهوا و غذا، انواع آزمون‌های تئوری و عملی و رصد را پشت سر می‌گذارند. چه عالی که مزد زحمت یک‌ساله‌شان را گرفتند. هرچند شاید مدت زیادی در ایران نمانند و به‌زودی چمدان مهاجرت را ببندند و بروند. وقتی دنیا برایشان فرش قرمز پهن کرده، چرا باید بمانند؟ بمانند که با حقوق‌های اندک و اینترنت بی‌سرعت و… زندگی حداقلی داشته باشند؟ اگر یک ذره فوتبالی باشید، حتماً رقم قرارداده‌را دیده‌اید. دیگر کار از میلیارد گذشته و به میلیون دلار رسیده است. آن را بپرانوئند یا قرارداد ۸۰، ۹۰ میلیاردی که در این نقل‌وانتقالات مدام مطرح شده است. پرسش اینجاست که چرا برای اینس دانش‌آموزان و معلمان و مربیان‌شان این رقم‌ها و جایزه‌ها در نظر گرفته نمی‌شود؟ چرا برای آن کسی که می‌دود،

بیشتر از کسی که می‌داند و عالم است، دست‌ودلبازی می‌شود. کاش این بار فرق کند. کاش تیم اجرائی کشور که پس از انقلاب شاید برای اولین بار است این‌همه تحصیل‌کرده کنار هم جمع شدند، رفتاری متفاوت در پیش بگیرند. شاید!

شادی همراه با نگرانی

افشین امیرشاهی، از روزنامه‌نگاران شناخته‌شده است. او در یادداشت خود در امتداد، نکته مهمی را یادآوری کرده است. او نوشته است: این شادی بزرگ، نگرانی‌هایی هم به همراه دارد؛ اینکه در آینده‌ای نه‌چندان دور بگوییم این موفقیت مبارک ناسا یا دانشگاه‌های معتبر جهان شده باشد؛ چون همواره شاهد موج مهاجرت نخبگان کشورمان بوده و هستیم. متأسفانه درباره این موفقیت بزرگ، کم‌توجهی رسانه‌ای شده است. بسیاری از تیم‌های دانش‌آموزی در کشورهای دیگر با حمایت نهادهای معتبر علمی مانند دانشگاه کمبریج یا مؤسسه انرژی اتمی هند هدایت می‌شوند. در ایران باشگاه دانش‌پژوهان جوان مسئولیت این تیم‌ها را بر عهده دارد. با وجود این محدودیت‌ها، ایران توانسته از نظر تیمی و هماهنگی، حتی بر رقبای قدرتمندی مانند آمریکا، انگلستان، هند و لهستان برتری پیدا کند. مسئله مهم مربوط به نقش مهم مربیان و استادان این دانش‌آموزان است. این افراد با ساعات خواب اندک، تلاش شبانه‌روزی و فداکاری شخصی، دانش‌آموزان را به سطح جهانی رسانده‌اند؛ بنابراین باید پاداشی در‌خور توجه دریافت کنند. آنها یک سال برای این دانش‌آموزان به شکل شبانه‌روزی زحمت کشیدند. پس چرا نباید مثل یک مربی در سطح تیم‌های ملی و باشگاهی قرارداد ببندند و رقم میلیاردي بگیرند؟ فقط پول میلیاردي باید به جیب فوتبالیست‌ها یا مدیران دولتی برود؟ متأسفانه پاداش مالی و تقدیر شایسته‌ای از این مربیان نشده است. دانش‌آموزان منتخب نیز یک سال کامل در آموزش‌های سنگین و تخصصی شامل مکانیک، ترمودینامیک، آمار، تحلیل داده و نجوم دانشگاهی شرکت کردند. اردوهای رصدی در مناطق

آکادمی

بورد و موریانه مقررات



بابک زمانی

نورولوژیست

این ارتقای علمی ندارند. در کشوری که کیی‌کردن دانش بدون اجازه قانونی است، در دانشگاه‌هایی که هیچ‌کدام از استانداردهای آموزشی نسبت هیت علمی به دستیار و دانشجو و هیچ معیار بین‌المللی دیگری رعایت نمی‌شود و در شرایطی که ده‌ها دانشگاه برای شبه‌علم تأسیس شده، این شیوه امتحان و این هیت‌های برگزیده و این ریزبینی و تکیه صرف بر جزئیات و جداول، تمثیل قدیمی «دروازه و سوزن» را تداعی می‌کند. نوعی وسواس را به ذهن می‌آورد؛ وسواس دسته موزیک کشتی تابیتایک در اجرای دقیق نت‌ها در حالی‌که کشتی در حال غرق‌شدن است. مقررات در بخش «سوزن» آن‌قدر دست‌وپاگیر است که حتی کلمات و جملات و ترتیب سؤال را هم در حین طراحی کنترل کرده، سوالات اساسی و مهمی را که قابل کنجانند در این قالب‌ها نیستند، از اذهان دور می‌کند.

چند نکته بدیهی

- بی‌تردید هر ولت و حکومتی حق دارد یک امتحان سراسری بگیرد تا از کارایی عملی پزشکانی که دانشگاه‌هایش تربیت کرده‌اند، اطمینان یابد. در همه جای دنیا امکان ندارد با طی دوره چهارساله در این امتحان قبول نشوید. معمولاً نیازی به مطالعه سنگین ندارد.
- بخش‌های آموزشی باید کارایی دستیاران‌شان را بعد از اتمام دوره آموزشی مورد امتحان قرار دهند. این مهم‌ترین بازخوردی است که بخش‌ها



در روزهای داغ و گرمای شدید تابستان، رودخانه‌های اطراف شهرها به پناهگاهی مطلوب برای فرار از گرمای سوزان برای خانواده‌ها تبدیل می‌شوند؛

اما آب‌تنی در این محیط خطرآی مانند جریانات ناهموار، ضربه به سگ‌ها و عمق ناگهانی را به همراه دارد. عکس: مهدی مجبی پور، ایرنا

instagram:sharghdaily1

twitter:sharghdaily

youtube:sharghdaily

Telegram:SharghDaily

aparat:tasvirshargh

www.sharghdaily.com

شاید این بار فرق کند

چند نکته در باره افتخار آفرینی بزرگ تیم نجوم ایران

تاریک و دور از آلودگی نوری برگزار شد تا تجربه عملی و واقعی آسمان شب را بیاموزند. این تلاش‌ها نشان می‌دهد که موفقیت‌شان تنها نتیجه استعداد نیست، بلکه محصول پشتکار، نظم و آموزش حرفه‌ای است.

نیاز به سرمایه‌گذاری و حمایت

بنابراین لازم است که سرمایه‌گذاری گسترده و هدفمند در حوزه نجوم و اخترفیزیک انجام شود. دولت‌مردان ما می‌توانند به‌جای اختصاص مبالغ کلان و بی‌حساب به مؤسسات فرهنگی و مذهبی متعدد که اغلب بازده مشخصی ندارند، بودجه‌های عمومی را در مسیرهای مؤثر و ارزشمند صرف کنند. یکی از این مسیرها، حمایت از رشته‌های رو به رشد و آینده‌دار نجوم و اخترفیزیک است؛ جایی که سرمایه‌گذاری امروز می‌تواند منجر به افتخارات علمی، ملی و بین‌المللی فردا شود. درباره دانش‌آموزان افتخار آفرین نیز باید از همین امروز حمایت‌های مادی و معنوی گسترده صورت گیرد. آنها نباید دغدغه‌هایی مثل سربازی، مشکلات مالی یا فرصت‌های شغلی و تحقیقاتی داشته باشند. چرا یک نخبه فوتبالیست از همان ابتدا تأمین مالی می‌شود، اما یک نخبه علمی نه؟ در غیر این صورت، خیلی زود شاهد مهاجرت نخبگان علمی خواهیم بود؛ چون در مؤسسات معتبر جهانی برایشان از هم‌اکنون فرش قرمز پهن کرده‌اند. دانش‌آموزانی که امروز با افتخار مدال جهانی به خانه می‌آورند، باید بتوانند در دانشگاه‌های معتبر داخلی مانند تهران، شریف، زنجان، شیراز، تبریز، فردوسی و شهید بهشتی به انتخاب خود ادامه تحصیل دهند. بدون هیچ دغدغه مالی تا بتوانند تمرکز خودشان را صرف یادگیری، تحقیق و پیشرفت علمی کنند، همین حالا باید حمایت‌های مادی و معنوی، سرمایه‌گذاری هدفمند و فرصت‌های تحصیلی و پژوهشی فراهم شود، وگرنه این نخبگان به جای ساختن آینده علمی ایران، جذب دیگر کشورها می‌شوند و افتخارشان نصیب دیگران خواهد شد. فرش قرمز واقعی باید برای ستاره‌های علمی ایران پهن شود تا این سرمایه‌های ارزشمند، افتخار فردای کشور باقی بمانند.

برای رفع معایب و اعتلای بیشتر خود نیاز دارند.

- دانشگاه‌ها حق دارند متخصصانی را که متقاضی استخدام به‌عنوان هیئت علمی هستند، مورد امتحان و ارزیابی قرار دهند و بهترین‌ها را برگزینند. بله، همه اینها تکتک از الزامات اساسی سیستم درمان و آموزش پزشکی است و هر سه باید تحت نظارت مستقیم و با اجرای ضوابط وزارت بهداشت انجام شوند. اما ترکیب همه اینها با هم در یک امتحان سراسری با هزینه سنگین و صرف نیروی فراوان برای انجام آن (کاری که نهایتاً هوش مصنوعی در چند ثانیه به رایگان انجام می‌دهد)، بی‌تردید نقض غرض در هر سه مورد خواهد بود.
- در زمینه چنین امتحانی، شاهدیم که مدت‌های طولانی بخش‌ها را از کار می‌اندازد. سال چهارم در بسیاری از رشته‌ها تحت تأثیر استرس این امتحان که تعیین‌کننده آینده پزشکان است، به شکل فرصت مطالعاتی درمی‌آید و کار و کشیک‌هایی که حقوق و اضافه حقوق ندارند، روی یک سرسره به پایین‌ترین سطوح آموزشی سُرمی‌خورد.
- امتحان سنگین حافظه‌محور، از سویی کسانی‌که با دستیاران کار نکرده‌اند، نمی‌تواند کارایی عملی این متخصصان را ارزیابی کند (البته برسته‌ترین‌ها در هر شکل امتحانی نمره بالاتری می‌آورند). تجربه بسیاری از هیئت علمی آن است که در سال چهارم، کارایی عملی دستیاران کاهش و حجم محفوظات آنها افزایش می‌یابد.

بدیهی است که شیوه امتحان بر کارایی پزشکان تأثیر می‌گذارد و کارایی پزشکان مهم‌ترین وجه کیفیت سلامت در کشور است. امسال انتظار می‌رفت وزارت بهداشت به ترتیبی عزم خود برای تغییرات جدی در این سیستم را به نمایش می‌گذاشت. اما گویا لادن‌م‌ن بر شیوه‌هایی مدیریتی که از پیش به ارث می‌رسند، راحتر است. گویا فراموش شده که جلوگیری از سقوط کامل و تلقیح امید به جامعه جوانی که در حال مهاجرت است، تنها و تنها با نشان دادن بادهای تغییر امکان‌پذیر است، نه لشکر موریانه مقررات و بخش‌نامه‌های تغییرناپذیری که با نظمی جهنمی همه چیز را می‌فرسایند.

۶۹ میلیون

یورو

مجموعه ۶۹ میلیون یورویی پولین کارپیداس در حراج سانبیز عرضه می‌شود. براساس گفته کارشناسان، بخش اصلی این حراج بزرگ‌ترین مجموعه سورن‌تالیسم سال‌های اخیر است؛ مجموعه‌ای که جرقه آن با دیدار کارپیداس از الکساندر یولاس زده شد و این کاری‌دار پیشگام را از باز نشستگی به میدان هنر بازگرداند. این حراج کم‌سابقه که به‌طور جزئی‌تر شامل حدود ۲۵۰ قطعه از خانه عجیب و غریب در لندن است، احتمالاً بیش از ۶۰ میلیون پوند (۸۱ میلیون دلار) به فروش برسد.

هنرخوانی

نگاهی به فیلم **مرجان***

مرگ خاموش زنان

در سایه ناموس



پرستوسرمدی

فیلم **مرجان** به کارگردانی سیدمیلاد بنی‌طیبا، تنها یک درام اجتماعی نیست؛ زخمی باز است بر پیکر جامعه‌ای که هنوز ناموس را سنگین‌تر از جان زن می‌داند. الهام‌گرفته از پرونده تلخ رومینا اشرفی، اما فراتر از آن، این فیلم روایتی است از رنج هزاران دختری که نام آنها هیچ‌گاه به تیتُر خیره نمی‌رسد.

اینجا داستان مرجان، داستان همه زنانی است که حق انتخاب، حق نفس‌کشیدن و حتی حق زیستن‌شان در سایه غیرت مردانه روده می‌شود. فیلم نشان می‌دهد که چگونه «ناموس»، واژه‌ای که قرن‌هاست بر شانه‌های زنان سنگینی می‌کند، انسان‌بودن زن را به «ملک‌بودن» تقلیل می‌دهد.

غیرت در این فیلم نه نشانه عشق، بلکه اهریمنی است تشنه خون که هم زنان را قربانی می‌کند و هم مردان را در زنجیر نگه می‌دارد. مردانی که از کودکی می‌آموزند تنها با کنترل بدن و زندگی خواهر، دختر یا همسرشان می‌توانند «مرد» باقی بمانند. این آموزه، عشق را می‌کشد، آزادی را می‌بلعد و زندگی را به سکوتی سنگین بدل می‌کند. مرجان در دل این جهان مردسالار، به نماد «ناموس خانواده» تبدیل می‌شود. آینده‌اش نه براساس رؤیاه‌ها و خواسته‌های خودش، بلکه بر پایه مصلحت، منافع و فشار اجتماعی رقم می‌خورد. بدن او سرمایه‌ای برای تحکیم پیوندها و حفظ آبرو است. پدرش، تجسم مردی است که غیرت را هم‌سنگ شرف می‌بیند و سربیزی دختر را لکهای امر مردانگی خود. در چنین معادله‌ای، خشونت نه استثنا، بلکه وظیفه می‌شود.

از نظر هنری، کارگردان با ظرافتی انسانی، تماشاگر را به هم‌نفس مرجان بدل می‌کند. دوربین وقتی بر چهره او مکت می‌کند، ما تنها ترسش را نمی‌بینیم؛ رؤیاهای ناتمامش را می‌بینیم. بغض‌هایی را می‌شنویم که در گلوئی هزاران زن حبس شده است. همین نگاه است که فیلم را از سطح یک روایت جنایی به مرتبه‌ای اجتماعی-عاطفی ارتقا می‌دهد. اما تلخی اصلی فیلم در پایان آن است؛ جایی که مرجان خاموش می‌شود. این سکوت، تنها مرگ یک دختر نیست؛ مرگ بخشی از آزادی جمعی ماست، مرجان به ما هشدار می‌دهد که قتل ناموسی انحراف فردی نیست، بلکه محصول سیستمی است که مردسالاری را نهادینه کرده و پیام نهایی فیلم، چیزی فراتر از یک روایت هنری است: دیگر نمی‌توان سکوت کرد. هر خبر کوتاه از قتل ناموسی، دنیایی از آرزوهای برادررفته را در خود پنهان دارد. پرسش فیلم این است: اگر امروز به خشونت پشت کنیم، فردا چه دختر دیگری باید قربانی شود؟

اگر همچنان قوانین مجازات بازدارنده‌ای برای این نوع قتل‌ها در نظر نگیرد و دست مردان خانواده را برای اِعمال قتل‌ها آزاد بگذارد، چند زن دیگر سرنوشتی مانند مرجان خواهند داشت؟

❖ خطر لورفتن داستان فیلم وجود دارد

غزه خوانی

کاری‌کنید

مارک رافلو، بازیگر شناخته‌شده، از سکوت و انفعال دنیا در برابر قحطی غزه خشمگین شده و اعتراض کرده است. او در متنی نوشت: «بیش از ۸۰ درصد جان‌باختگان از این جنگ شهبود بوده‌اند. باورنکردنی است». کاری‌کنید. رئیس‌جمهور ترامپ، کاری کن. می‌گویی انسان‌های گرسنه برایت اهمیت دارند. می‌گویی جنگ‌ها باید تمام شوند. کاری کن. آلمان، کاری کن. اروپا، کاری کن. بریتانیا، کاری کن. قرار است بنشینیم و این اتفاق را تماشا کنیم؟ باورنکردنی است. غم‌انگیز است. کاری‌کنید!». رافلو ضمن انتشار ویدئو می‌نویسد: «آنچه در غزه شاهدش هستییم یک تراژدی است، جنایتی علیه بشریت. گرسنگی، تحمیلی، قحطی ساخته بشر. کودکان و خانواده‌ها در حال تلف‌شدن هستند، در حالی‌که دنیا در سکوت نظاره می‌کند. این یک بلای طبیعی نیست؛ نتیجه تصمیمات تعمدی زمامداران است. رهبران دنیا، سکوت همدستی است». چند روز پیش سازمان ملل آغاز قحطی در غزه را اعلام کرد.